



An Ontological Analysis of the Qur’anic Verses on “Khazā’in” (Divine Treasures)

Mehdi Azizan ^a, Hossein Javan Arasteh ^b Sayyed mojtaba jalali^{c*}

^a Assistant Professor, Department of Religions and Sects, Imam Sadeq Institute of Islamic Sciences, Iran, azizan24@yahoo.com

^b , Associate Professor, Hozeh and University Research Institute , hoarasteh@gmail.com

^c. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord Branch, Shahrekord University, Shahrekord, Iran, s.m.jalali@sku.ac.ir

KEYWORDS

Khazā’in Verses,
Divine Treasures,
Ontology,
Knowledge (‘Ilm),
Essence/Existence (‘Ayn),
Ontological Levels (Marātib al-
Wujūd).

ABSTRACT

The term “khazā’in” is the plural of “khazīnah” and, according to exegetical and theological interpretations, extends far beyond its literal meaning of material stores or physical depositories. In Qur’anic and religious discourse, it conveys a profound ontological reality—namely, the manifestation of divine will and generosity within the cosmic order of creation. The central inquiry of this study concerns the ontological status of “khazā’in” within the structure of existence and the divine effusion (al-fayḍ al-ilāhī): specifically, whether these “treasures” encompass merely finite, material, and natural resources, or whether they also include higher, immaterial ontological realms. Adopting a descriptive-analytical methodology and drawing upon authoritative exegetical (tafsīrī) and theological (kalāmī) sources, this research aims to explicate and analyze the ontological dimensions of the Qur’anic concept of “khazā’in.” The investigation reveals that “khazā’in” can be meaningfully examined across three primary ontological domains: Material Treasures: These include the heavens, the earth, and all natural resources within the sensible, physical world. Spiritual Treasures: These pertain to divine manifestations such as knowledge (‘ilm), mercy (rahmah), revelation (wahy), and absolute divine power (qudrah). Eschatological Treasures: These relate to the rewards and retributions destined for the Hereafter, manifesting in the realm of resurrection (al-qiyyamah). The findings demonstrate that “Divine Treasures” (al-khazā’in al-ilāhiyyah) signify God’s absolute encompassment of all levels of being—encompassing creation (ijād), sustenance (baqā’), and governance (tadbīr). In this light, every existent entity derives its manifestation and actualization from the infinite, inexhaustible treasures of the Divine. No particle within the domain of existence lies outside the scope of His boundless effusion (fayḍ) and all-encompassing knowledge (‘ilm). Consequently, a systematic ontological analysis of the concept of “khazā’in” offers a viable path toward a deeper comprehension of the cosmos as a unified, divinely governed order—illuminated by the principle of divine Lordship (rubūbiyyah) and grounded in the metaphysics of effusion and existential unity.

* Corresponding author. Sayyed mojtaba jalali

E-mail address: s.m.jalali@sku.ac.ir

DOI: 10.22034/rtmr.2026.2082302.1127

Received: 2025/12/28 ; Received in revised form: 2026/1/8; Accepted: 2026/2/3





نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل ابعاد هستی‌شناسی آیات خزائن

مهدی عزیزان^{الف*}، حسین جوان آراسته^ب، سید مجتبی جلالی^ج

^{الف} استادیار گروه ادیان و مذاهب، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق، قم، ایران azizan24@yahoo.com

^ب دانشیار، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران hoarasteh@gmail.com

^ج استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد s.m.jalali@sku.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>واژه‌ی «خزائن» با مفاد تفسیری کلامی، جمع «خزینہ» است که در متون قرآنی و دینی تنها ناظر به ذخایر مادی و انبارهای محسوس نبوده، بلکه حقیقتی عمیق‌تر را بازگو می‌کند. حقیقتی که از آن به عنوان مظهر اراده و فیاضیت الهی در نظام خلقت یاد می‌شود. مسأله‌ی محوری پژوهش جایگاه خزائن در ساختار وجودی و نظام فیاض الهی و کیفیت اشتغال آن بر منابع طبیعی و مادی محدود یا مراتب متعالی‌تر و مجردی است. پژوهش با هدف تبیین و تحلیل ابعاد هستی‌شناختی مفهوم «خزائن» در قرآن کریم به شیوه‌ی توصیفی تحلیلی و بر پایه‌ی داده‌های تفسیری و کلامی معتبر سامان یافته است. بررسی‌ها نشانگر آن است که مفهوم «خزائن» در سه ساحت عمده قابل تحلیل است؛ نخست، خزائن مادی مشتمل بر آسمان‌ها، زمین و ذخایر طبیعی در عالم محسوس است؛ دوم، خزائن معنوی که به جلوه‌هایی چون علم، رحمت، وحی، و قدرت مطلق الهی مربوط می‌شود؛ و سوم، خزائن آخروی که ناظر به پاداش و کیفر در عالم قیامت است. بر اساس یافته‌های پژوهش، «خزائن الهی» نشانگر احاطه مطلق خداوند بر مراتب هستی در مقام ایجاد، بقا و تدبیر است؛ بدین معنا که هر موجودی در عرصه هستی، ظهور و تحقق خود را از خزائن بی‌پایان حق تعالی دریافت می‌کند و هیچ ذره‌ای از قلمرو وجود، از فیض و علم بی‌کران او بیرون نیست. از این رو، تحلیل مفهوم «خزائن» می‌تواند راهی در جهت فهم عمیق‌تر از نظام فیاض و وحدت وجودی عالم در پرتو ربوبیت الهی باشد.</p>	<p>آیات خزائن خزائن الهی هستی‌شناسی علم عین مراتب هستی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴</p>

۱. مقدمه

قرآن کریم در تبیین نظام آفرینش، افزون بر بیان مظاهر محسوس عالم، به لایه‌هایی ژرف‌تر از واقعیت هستی اشاره می‌کند که فهم آن‌ها نقش بنیادینی در شکل‌گیری نگرش انسان به خدا، عالم و نسبت میان علم و عین دارد. یکی از مفاهیم کلیدی در این زمینه، مفهوم «خزائن» است که در آیاتی همچون؛ «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (الحجر: ۲۱) جایگاهی محوری در تبیین منشأ موجودات و نحوه افاضه وجود یافته است. با وجود اهمیت این مفهوم، تبیین هستی‌شناختی خزائن و نسبت آن با مراتب وجود، همواره محل اختلاف و تنوع دیدگاه‌های تفسیری بوده است. مسئله اساسی در تحلیل آیات خزائن آن است که آیا خزائن الهی صرفاً ناظر به حقایق علمی در مقام علم خداوند هستند، یا به واقعیت‌های عینی و خارجی در نظام هستی اشاره دارند، و یا آنکه می‌توان با نگاهی جامع‌تر، هر دو ساحت علم و عین را در تبیین حقیقت خزائن دخیل دانست. این اختلاف دیدگاه، نه تنها در آثار تفسیری بلکه در مباحث کلامی و فلسفی نیز بازتاب یافته و گاه موجب برداشت‌های جزئی‌نگرانه از حقیقت خزائن شده است. از این‌رو، فقدان یک چارچوب تحلیلی منسجم که بتواند این رویکردها را در نسبت با یکدیگر تبیین کند، به‌عنوان خلأ جدی در مطالعات قرآنی احساس می‌شود.

اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که مفهوم خزائن، پیوندی مستقیم با مباحث بنیادین هستی‌شناسی همچون مراتب وجود، قضا و قدر، نحوه تنزل فیض الهی و رابطه علم الهی با تحقق عینی موجودات دارد. تبیین درست این مفهوم می‌تواند نقش مؤثری در فهم ساختار نظام هستی و رفع تعارض ظاهری میان دیدگاه‌های تفسیری ایفا کند و از تقلیل آیات خزائن به یک بُعد خاص جلوگیری کند. افزون بر این، تحلیل جامع آیات خزائن می‌تواند زمینه‌ساز بازخوانی دقیق‌تر بسیاری از مفاهیم قرآنی مرتبط با خلقت، تدبیر الهی و جریان وجود در عوالم مختلف باشد. بر این اساس، هدف اصلی این مقاله تبیین ابعاد هستی‌شناختی آیات خزائن و ارائه تحلیلی منسجم از رویکردهای تفسیری موجود در این زمینه است. مقاله می‌کوشد با اتخاذ رویکردی تحلیلی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش عقلانی و حیانی، چهار رویکرد اصلی در تفسیر آیات خزائن، یعنی رویکرد علمی، رویکرد عینی، رویکرد علمی عینی و رویکرد کلی را شناسایی، تحلیل و مقایسه کند. پرسش محوری مقاله آن است که کدام یک از این رویکردها توان تبیین جامع‌تری از حقیقت خزائن الهی و نسبت آن با مراتب هستی را دارا است.

فرضیه مقاله بر این مبنا استوار است که هر یک از رویکردهای علمی و عینی، تنها ناظر به بخشی از حقیقت خزائن هستند و تبیین جامع، در گرو رویکردی است که با لحاظ مراتب هستی، اشتغال خزائن بر هر دو ساحت علم و عین را بپذیرد. در این چارچوب، رویکرد کلی می‌تواند به‌عنوان الگویی تبیینی، اختلاف ظاهری دیدگاه‌ها را در قالب یک نظام هستی‌شناختی واحد سامان دهد و خزائن الهی را به مثابه حقایق متدرج و متنازل از مقام علم الهی تا مراتب تحقق عینی در عالم تفسیر کند. بر این مبنا، مقاله حاضر پس از تبیین مفاهیم کلیدی، به بررسی و تحلیل چهار رویکرد یادشده پرداخته و در نهایت می‌کوشد با ارائه جمع‌بندی هستی‌شناختی، تصویری منسجم از جایگاه خزائن در ساختار نظام وجود ارائه دهد.

موضوع پژوهش حاضر در آثار و متون مختلف اسلامی خالی از پیشینه نبوده و در کتب مختلف تفسیری، فلسفی و عرفانی به مناسبت‌های گوناگون و به صورت پراکنده مورد اشاره قرار گرفته است، همچنین به ندرت در برخی از کتب و مقالات علمی به موضوعات مشابه آن پرداخته شده است، به‌عنوان نمونه ابعاد هستی‌شناسی خزائن در اغلب تفاسیر مرتبط با آیات خزائن، و

در روایات مختلف به تناسب مورد اشاره قرار گرفته شده است، در آثار فلسفی نیز این موضوع در کتاب‌های فلاسفه مشاء، اشراق و حکمت متعالیه نظیر؛ ابن سینا، میرداماد، سهروردی، شهرزوری، ملاصدرا، ملاهادی سبزواری، علامه طباطبایی، شهید مطهری و... مورد تبیین قرار گرفته شده است، همچنین این موضوع در عرفان و در آثار افرادی نظیر؛ ابن عربی، عبدالرزاق کاشانی، علامه تهرانی، علامه حسن زاده آملی و... مورد اشاره قرار گرفته شده است. نیز مقالاتی مشابه با موضوع پژوهش حاضر تدوین شده که از جمله آن‌ها می‌توان به مقالات ذیل اشاره کرد؛ ۱- خزائن الهی، اثر محمد حسین حشمت پور، شماره ۲۶ مجله پژوهش‌های فلسفی کلامی، زمستان ۱۳۸۴. ۲- دانستنی‌هایی از قرآن؛ کلیدهای خزائن غیب، شماره ۳۳۴ مجله پاسدار، مهرماه ۱۳۸۸. ۳- خزائن الله، اثر احمد صدر حاج سید جوادی، دائرة المعارف تشیع، ج ۷، صص: ۱۲۹-۱۳۰. ۴- ابتکار علامه طباطبایی در حل مسأله روح در قرآن؛ با استفاده از آیه خزائن، اثر مهرداد ویس کرمی، شماره ۲۰۳ مجله معرفت، آبان ۱۳۹۳، به رشته تحریر در آمده که در بعضی جهات با موضوع و مطالب پژوهش حاضر دارای همپوشی هستند. با توجه به پیشینه مذکور و با توجه به تتبع صورت پذیرفته به نظر می‌رسد که بحثی با این نگاه ویژه ارائه نشده است، لذا با توجه به این مطلب درصددیم تا با بحثی جامع و منظم ضمن اشاره به آراء تفسیری، فلسفی و عرفانی به تحلیل ابعاد هستی‌شناسانه آیات خزائن اشاره کرده و ارتباط آن با سیر مراتب در نظام هستی را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. ادبیات تحقیق، مفاهیم و مبانی نظری

این بخش با هدف تبیین ریشه‌های معنایی و فلسفی واژه‌ی «خزائن» و ارائه‌ی چارچوب نظری هستی‌شناختی آن در نظام فیاض الهی تنظیم شده است. در این چارچوب، تلاش شده تا نشان داده شود که چگونه مفهوم خزائن در قرآن، از سطح واژه‌ای لغوی فراتر رفته و در دستگاه معرفتی اسلام، به یکی از بنیان‌های فهم نظام خلقت و فیاضیت الهی تبدیل می‌شود؛

۲/۱. خزائن

در مقایسه‌ی اللغه در ماده خزن، می‌خوانیم؛ اصل این ماده برصیانت و حفاظت از شیء دلالت دارد، مثلاً می‌گویند: خزنت الدرهم و یا گفته می‌شود: خزنت السرّ، همچنین گفته شده مراد جود و قدرت وسیع است و نیز گفته شده مراد قول خداوند (کُن) است و خزانه اسم مکانی است که شیء در آن قرار می‌گیرد و خزانه عمل خازن است، ابن انباری ذیل آیه: «وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدَ خَزَائِنِ اللَّهِ» (هود: ۳۱) می‌گوید: مراد غیب‌های علم خداوند است که غیر از او کسی نمی‌داند و به غیوب به خاطر پیچیدگی و پنهانی‌اش بر مردم خزائن می‌گویند، چنانچه وقتی مالی پنهان شد می‌گویند: خَزَنَ المالَ (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷۸).

در کتاب المفردات می‌خوانیم؛ الخَزْنُ یعنی حفظ شیء در خزانه که از آن در هرگونه حفظی استفاده می‌شود، مانند حفظ سِر و غیر آن، و قول خداوند متعال: «وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُدَبِّرُ الْأُمُورَ» (الحجر: ۲۱)؛ «وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (المنافقون: ۷). اشاره‌ایست به قدرت خداوند بر آنچه که اراده ایجادش را دارد و خَزَنَهُ جمع خازن است و آیه؛ «وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا»، (الزمر: ۷۳). در مورد صفت آتش و جنت است و آیه؛ «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدَ خَزَائِنِ اللَّهِ» (الأنعام: ۵۰). یعنی مقدوراتی که در مورد مردم منع شده است، زیرا خَزَنَ قسمی از منع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۲۸۱-۲۸۰). بر اساس این تعریف، خزائن امور عینی و علمی را در بر می‌گیرد.

در قاموس قرآن در بیان معنای این واژه آمده؛ خَزَنَ بر وزن فَلَاسَ به معنای حفظ شیء و ذخیره کردن آن در خزانه است و خَزَانَهُ مکان حفظ شیء است، و جمع خزانه به معنی خزائن است، در آیه شریفه؛ «فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ» (الحجر: ۲۲). خازنین بنابر آنچه گفته شد به معنی حافظین است، یعنی از آسمان آب نازل کردیم و شما را

با آن سیراب کردیم و شما نگهدارنده آن نیستید، بلکه حافظ و ذخیره کننده آن ما هستیم که از آسمان نازل کرده و در قعر زمین ذخیره و حفظ می‌کنیم.

۲/۲. غیب

در مقایسه اللغه می‌خوانیم؛ غیب اصل صحیحی است که دلالت بر پنهان شدن شیء از دیدگان دارد، سپس امور پنهانی که جز خدا آن را نمی‌داند بر این اصل قیاس می‌شوند، مثلاً گفته می‌شود: غابت الشمس (خورشید پنهان شد) تغیب غیبه و غیوباً و غیباً و غاب الرجل (مرد پنهان شد) و أغابت المرأة (زن پنهان شد) فهی مغیبه، زمانی که از همسرش پنهان شود، وَقَعْنَا فِي غَيْبَةٍ وَ غِيَابَةٍ؛ یعنی جایگاهی از زمین که در آن پنهان است، والغابه؛ به معنای جنگل آمده، زیرا در آن پنهان می‌شوند و جمعش غابات و غاب است و غیبتی که در مورد مردم اتفاق می‌افتد از همین باب است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۰۳).

در کتاب مفردات کلمه الغیب را مصدر دانسته که در مورد هرامر غائب از حس یا علم انسان به کار می‌رود، مانند: غَابَتِ الشَّمْسُ، و چه بسا استعمال آن در سایر معانی اشاره به آن چیزی باشد که لفظ غیب آن را اقتضاء دارد (راغب اصفهان، ۱۴۰۴ق، صص ۶۱۷-۶۱۶). در لسان العرب واژه الغیب به معنی شک و از جمعش به غیاب و غُیُوبٌ تعبیر شده و غیب هرآنچیزی است که مخفی است و در استعمالاتی نظیر: غاب عَنِّي الأَمْرُ غَيْباً، و غِيَاباً، و غَيْبَةً، و غُيُوباً، و مَغَاباً، و مَغِيْباً، و تَغَيَّبَ و غَيَّبَهُ هُوَ، و غَيَّبَهُ عَنْهُ به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۶۵۵-۶۵۴). در مصباح المنیر می‌خوانیم؛ غیب هرآنچیزی است که از تو پنهان است و جمعش غیوب است و غیابه الجب یعنی قعر چاه و جمعش غیابات است (فیومی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۵۷). در قاموس غیب به معنای نهان، نهفته و هرآنچه از دیده یا از علم پنهان است آمده است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، صص: ۱۳۷-۱۳۳). صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن معتقد است که از نظر تحقیق اصل واحد در این ماده آن چیزی است که مقابل شهادت است، «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ» (الأنعام: ۷۳) و با اختلاف شهادت و به نسبت آن، مفهوم غیب مختلف می‌شود.

۳. یافته‌های تحقیق

در تفاسیر متعدد و روایات گوناگون به بحث در حوزه مصداق شناسی خزائن پرداخته شده است و هر یک به تبیین ماهیت وجودی آن پرداخته‌اند. از مواردی که در متن این آثار قابل اشاره است، بحث عینیت یا علمیت حقیقت خزائن است که از مفاد اینگونه آثار قابل بررسی است. از جمله مباحثی که در رابطه با مفهوم خزائن مطرح می‌شود، بحث پیرامون عینی یا علمی بودن این حقیقت است. به تعبیری حقیقتی با عنوان خزائن که در آیات قرآن از آن یاد شده، شامل چه اموری است؟ آیا این حقیقت تنها در حوزه علم خداوند و تسامحاً اوصاف دیگر خداوند نظیر؛ رحمت، قدرت و... است و یا آنکه علاوه بر شمول نسبت به مقام علم خداوند، در مورد امور عینی خارج از ذات خداوند نظیر؛ امور ماورائی و مجرد و همچنین امور قابل ادراک در عالم حواس و ماده نیز به کار می‌رود و یا به عبارتی دارای مصادیق خارج از ذات نیز است. برای دست یابی به نوع رویکرد موجود در آثار مختلف، بحث را حول چهار دیدگاه مختلف پیگیری کرده تا ضمن آشنایی با آراء و نظریات مختلف و متنوع درباره معنای خزائن از سوی آنها، نوع نگرش دیدگاه‌های مذکور به این مفهوم را، از جهت عینی یا علمی بودن آن در ذیل هر آیه مورد بررسی قرار دهیم.

دیدگاه‌های مطرح، در چهار رویکرد ذیل دسته بندی خواهند شد؛ الف. رویکرد علمی؛ شامل دیدگاه‌هایی که خزائن را منحصر در مقام علم خداوند و تسامحاً اوصاف دیگر حق تعالی نظیر؛ رحمت، قدرت و... می‌دانند. ب. رویکرد عینی؛ شامل دیدگاه‌هایی که خزائن را منحصر در ماسوی الله؛ اعم از امور ماوراء یا مجرد و مادی هردو می‌دانند. ج. رویکرد علمی عینی؛ شامل دیدگاه‌هایی که خزائن را دارای سلسه مراتب طولی می‌دانند که در نهایت به مقام علم حق تعالی منتهی خواهند شد. د. رویکردهای کلی؛ شامل دیدگاه‌هایی است که نمی‌توان آن‌ها را به طور مشخص به یکی از دیدگاه‌های فوق نسبت داد.

در این قسمت جهت تبیین معنای این واژه در آیات و روایات و نوع دیدگاه موجود در آن‌ها در رابطه با عینیت و علمیت این حقیقت، به بررسی آراء تفسیری پیرامون آیات خزائن و آیات مرتبط با آن پرداخته و در تشریح آن‌ها روایات مختلف و متناسب مورد اشاره قرار خواهد گرفت. در بسیاری از کتاب‌های تفسیری و روایی به آیات و روایات پیرامون واژه خزائن پرداخته شده و مباحث مختلفی درباره آن بیان شده است. واژه خزائن در هشت آیه قرآن به صورت صریح مورد اشاره قرار گرفته است، که حول محور هر یک مباحث تفسیری و روایی مختلفی بیان شده است؛

۳/۱. دیدگاه علمی صرف

در برخی تفاسیر مرتبط با آیات خزائن از این حقیقت به عنوان امری علمی یاد شده است و نگاه به آن نگاهی صرفاً علمی و با قطع نظر از اشتغال خزائن بر امور عینی است. در اینجا با اشاره به آیات خزائن به تفاسیری که صرفاً نگاهی علمی بدان داشته‌اند، اشاره می‌گردد؛

۳/۱/۱. آیه ۵۰ سوره انعام

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا تَبِعُوا إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ» (الأنعام: ۵۰) بگو: من به شما نمی‌گویم که خزینه‌ها و گنجینه‌های خدا نزد من است، و نیز غیب هم نمی‌دانم، و نمی‌گویم که فرشته‌ام، فقط از آنچه به من وحی شده پیروی می‌کنم، بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟ (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳).

در رابطه با آیه فوق، و به خصوص واژه خزائن و نوع برداشت علمی از آن تفاسیر متعددی بیان شده و از آن به تعبیری مختلف نظیر؛ علم خداوند، تحقق اراده خداوند با قول «کن»، رحمت الهی و... به عنوان یک امری علمی یاد شده است، که در اینجا تعدادی از آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ خزائن یعنی تدبیرپاره‌ای امور از جانب پروردگار و مراد از غیب اسرار خلقت است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۱۹). خزائن با استناد به حدیث قدسی، اراده خداوند بر ایجاد اشیاء با قول: «كُنْ فَيَكُونُ» (البقره: ۱۱۷) است (فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۱). مراد از خزائن، رحمت پروردگار و مراد از غیب، آنچه که اختصاص به علم خداوند دارد، است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۷۹). منظور از گنجینه‌های خدا، خزانه‌های علم و قدرت اوست که به صورت کلی وکلان نزد خداست و هر فیضی که از او می‌رسد، بخش معین و مشخصی از آن است (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۴۰۴). «خَزَائِنُ اللَّهِ» یعنی کلیدهای خداوند در نزول عذاب «وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ» (الأنعام: ۵۰؛ هود: ۳۱) یعنی غیب نزول عذاب که چه زمانی نازل می‌شود (بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۵۶۲؛ رشیدالدین میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۵۶)، چنانچه مشاهده می‌شود در برخی تفاسیر در تبیین ادامه آیه، واژه غیب مورد اشاره قرار گرفته است و اشاره به آن بیشتر به دلیل تناسب موجود میان خزائن و غیب در تفسیری علمی از آن دو است، چنانچه گاهی مراد از غیب را، غیب مختص به

خداوند دانسته‌اند که منظور امری غیر از غیب وحی رسالی است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ص: ۱۳۳) و یا گاهی مراد از غیب را آن امری دانسته‌اند که مختص به علم خدا از مصالح دنیاست (طوسی، بی‌تا، ج ۴، صص ۱۴۲-۱۴۱).

۳/۱/۲. آیه ۳۱ سوره هود

«وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» (هود: ۳۱) «ومن به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های [عنايات والطف] خدا نزد من است [تا به طور مستقل بتوانم حاجات شما را برآورم و هر تصرفی را که مایل باشم در آسمان‌ها و زمین بنمایم]، وادعا نمی‌کنم که غیب هم می‌دانم، و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و درباره آنان که چشمانتان فرومایه و خوارشان می‌نگرد، نمی‌گویم که خدا هرگز خیری به آنان نخواهد داد خدا به آنچه در دل آنان است آگاهتر است، اگر چنین گویم از ستمکاران خواهم بود» (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵).

در رابطه با آیه فوق نیز گفتارهای مختلفی با رویکردهای علمی مشاهده می‌شود؛ در برخی تفاسیر به این نکته توجه داده شده است که موضوع خزانه خداوند متعال باید یک محل و مورد معنوی و روحانی باشد و آن عبارتست از صفات ذاتی پروردگار متعال، چون قدرت و علم و اراده، که به وسیله آن‌ها آنچه بخواهد، با اراده نافذ و با علم و قدرت تمام بدون تأخیر پیدا و محقق گردد؛ «يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (البقره: ۱۱۷). و صفات ذاتی پروردگار متعال است که نامحدود و عین ذات است و موضوعات دیگر مادی یا روحانی، همه مخلوق هستند و صحیح نیست که خزینه خداوند متعال در اختیار دیگری باشد، و یا اینکه از محیط ذات اویبرون باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۱۸۲) ملافتح الله کاشانی در تفسیر خلاصه المنهج در ذیل آیه معتقدند که مراد خزانه‌های علم خداوند است (کاشانی، ۱۳۳۶ ج ۲، ص ۳۲۴، مطابق برداشتی که تفاسیر مذکور از آیه داشته‌اند، خزائن مشتمل بر امور علمی است.

۳/۱/۳. آیه ۵۵ سوره یوسف

«قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵).

یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده زیرا من نگهبان دانایی هستم (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۲۴۲). در اغلب تفاسیری که در رابطه با این آیه وجود دارد، با توجه به آنکه آیه در رابطه با حضرت یوسف و مسأله خزانه داری ایشان است، از واژه خزائن برداشتی عینی صورت گرفته است، گرچه در برخی از تفاسیر به مناسبت سخن از خزائن بحث را تعمیم داده و به سایر ساحت‌های خزائن نیز اشاره کرده‌اند.

۳/۱/۴. آیه ۲۱ سوره حجر

«وَأِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (الحجر: ۲۱) و هیچ چیزی نیست مگر آنکه خزانه‌هایش نزد ماست، و آن را جز به اندازه معین نازل نمی‌کنیم (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۲۶۳).

در آیه ۲۱ سوره حجر نیز شاهد رویکردهای علمی در رابطه با واژه خزائن هستیم. به اعتقاد برخی مفسرین خداوند متعال خزانه دارد، ولی نه مانند خزانه داران، بلکه خزانه خداوند عبارت است از کلمه «کُن» یعنی ایجاد شو، این خزانه که به ذات مقدس خداوند اختصاص دارد، آغاز و پایانی ندارد، و از جمله آیاتی که به این معنا اشاره دارد، آیه ۲۸ سوره «یس» است که

می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۲۸). یعنی جز این نیست که امر خدا این است که هرگاه چیزی را اراده کند به آن می‌گوید: موجود شو و آن موجود می‌شود. در تأیید این مطلب می‌توان به حدیثی از امام جعفر صادق (ع) اشاره کرد که فرمودند: «هنگامی که حضرت موسی به کوه طور رفت، از خداوند درخواست کرد تا خزانه‌های خود را به وی ارائه کند و خداوند در پاسخ فرمود: خزانه‌های من آنست که آنچه را بخواهم و اراده کنم با قول «کن» موجود شو»، ایجاد می‌شود (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۹، صص ۴۲-۴۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳، صص ۳۳۸-۳۳۶).

۳/۱/۵. آیه ۱۰۰ سوره اسراء

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الاسراء: ۱۰۰). به کافران و مغروران به امور مادی دلفریب، بگو: اگر شما مالک خزینه‌های رحمت پروردگارم بودید، در آن صورت از ترس (تهی‌دستی و کم شدنش) از انفاق کردن آن بخل می‌ورزیدید و انسان همواره بسیار بخیل و تنگ نظر است (انصاریان، ۱۳۸۳، ص ۲۹۲).

در رابطه با آیه فوق نیز رویکردهای علمی با تعابیر مختلف، قابل اشاره است؛ به اعتقاد برخی مفسران، خزائن پروردگار همان کلمه «کن» است که با کلام موجود شو، اشیاء ایجاد می‌شوند (فیکون) (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۰، ص ۱۸۶). در تفاسیری از آن به خزینه‌های رحمت الهی یاد شده است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۱۳) و این گونه تعبیر گاه در صحیفه سجادیه به صورت ترکیب خزائن و رحمت بکار برده شده است؛ «و يَا مَنْ لَا تَفَنَّى خَزَائِنَ رَحْمَتِهِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ» (علی بن الحسین، الصحیفه السجادیه، ص ۴۴)؛ ای خداوندی که خزائن رحمتت فنا نشود، درود بفرست بر محمد و خاندانش و ما را از رحمت خویش نصیبی ده (آیتی، ۱۳۷۴، ص ۵۲). در تفاسیر مزبور از خزائن گاه به رحمت الهی که امری ابتدائاً علمی و گاه به نعمت خداوند تعبیر شده است.

۳/۲. دیدگاه عینی صرف

۳/۲/۱. آیه ۵۰ سوره انعام

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا تَبِعُوا إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ» (الأنعام: ۵۰).

در خصوص آیه ۵۰ سوره انعام، در اغلب تفاسیر مرتبط با آن و با توجه به فحوای موجود در آن اغلب شاهد رویکردهای علمی یا عینی در مورد آن هستیم و مفسران در خصوص این آیه نگاه عینی خاص نداشته و دست کم متعرض آن نشده‌اند که چه بسا دلیل آن نیز می‌تواند متن و مفاد آیه و غیر مرتبط بودن آن با امر عینی بوده باشد.

۳/۲/۲. آیه ۳۱ سوره هود

«وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» (هود: ۳۱).

در برخی متون تفسیری با رویکردی عینی به معنای این واژه پرداخته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد؛ در تفسیر روض الجنان از آنبه عنوان توانگری یاد شده است که معنای متفاهم از آن درعرف توانگری و غنا در حوزه امور مادی و دنیوی است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۶۰). فخررازی در تفسیر کبیر خود آیه را چنین تفسیر

کرده است؛ ادعا نمی‌کنم که مالک مالی بوده و در اخذ و دفع آن دارای غرضی هستم (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷، ص ۳۴۰). در این گونه تفاسیر بیشتر بر جنبه عینی این واژه در آیه پرداخته شده و گویا فضای نزول آیه نیز در این گونه برداشت تأثیرگذار بوده است.

۳/۲/۳. آیه ۲۱ سوره حجر

«وَأِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (الحجر: ۲۱).

در برخی تفاسیر مربوط به آیه فوق به جنبه عینی این واژه پرداخته شده و از آن استنباطی عینی داشته‌اند؛

در تفسیر بحر العلوم از ابن عباس نقل شده که در جریان طوفانی که قوم نوح غرق شدند، این خزائن طغیان کرده و خارج شده و زیاد شدند به شکلی که قابل کنترل نبودند و طی چهل روز خارج شدند (سمرقندی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۵۳). صاحب تفسیر قمی معتقد است که خزانه آبی است که از آسمان نازل می‌شود، و آنچه که خداوند از غذا برای گروهی از حیوانات مقدر کرده می‌رویاند است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۷۵). چنانچه در تفسیر البرهان نیز طی روایات به این مطلب اشاره شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، صص ۳۳۸-۳۳۶). در کشف الأسرار از مفسران نقل شده که مراد از شیء باران است، زیرا اصل همه اشیاء بوده و رشد هر شیء به واسطه آن است (رشیدالدین میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۰۳). چنانچه مشاهده گردید، در برخی تفاسیر مربوط به آیه رویکردی عینی وجود دارد و از آن به آب در آسمان یا زمین یاد شده است.

۳/۲/۴. آیه ۱۰۰ سوره اسراء

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الاسراء: ۱۰۰).

در برخی از تفاسیر ذیل آیه شریفه، با توجه به فضای آیه و خطاب آن نسبت به کافران و مغروران، برداشتی عینی از آن داشته‌اند.

از دیدگاه این گونه تفاسیر خزائن می‌تواند رحمت خداوند باشد از جهتی که شامل ادراک، صحت، اموال و همه نعمت‌ها می‌شود ولی مراد از آن در اینجا خصوص مال است، به دلیل قول خداوند که فرمود: «لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ» (الاسراء: ۱۰۰). یعنی تمام شدن، در آیه دیگر این سوره؛ «قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا» (الاسراء: ۱۰۰). خداوند به رسول اکرم (ص) می‌فرماید تا به منفعت طلبان بگوید: «از خداوند می‌خواهید تا اموالتان را با ایجاد رود و چشمه از زمین زیاد کند، درحالی که خداوند می‌داند که اگر شما مالک خزینه‌های پایان ناپذیر آسمان‌ها و زمین بودید، باز هم بر حالت بخل و حرص خود باقی می‌ماندید» (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۹۰). بر اساس این گونه تفاسیر که تعداد آنها در چنین رویکردی زیاد نیست، بر اساس برخی قرائن موجود در آیه و سایر آیات این سوره، استنباط امری عینی از این واژه داشته‌اند.

۳/۲/۵. آیه ۹ سوره ص

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص: ۹).

در خصوص آیه شریفه فوق استنباط و گرایش عینی در تفاسیر آیه مزبور نسبت به خزائن وجود نداشته و دست کم چنین رویکردی با توجه به تتبع در اکثر تفاسیر موجود، مشاهده نشده است، که چه بسا دلیل این امر، اضافه شدن خزائن در آیه به

واژه رحمت باشد که امری کلی و عمومی بوده و از آن برداشت علمی یا علمی و عینی شده است، بر اساس این مطلب، باید تبیین آیه مذکور را در تفاسیری با رویکردی علمی یا علمی و عینی ملاحظه کرد.

۳/۲/۶. آیه ۳۷ سوره طور

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيِّرُونَ» (الطور: ۳۷).

در برخی تفاسیر به تبیین مصادیقی از «خزائن» پرداخته که بر این اساس از آن به مکان‌های حفظ ثروت‌ها و کلیدهای آن‌ها یاد شده است، و از مصادیق خزائن به منابع اولیه ثروت در زندگی، همچون؛ سرچشمه‌های باران، منابع انرژی و کارمایه و مواد حیاتی در زمین، اشاره کرده و بر این نکته تکیه داشته که این جزء بسیار کوچک و ساده‌ای از خزائن خداوند است که خلق و آنها را در جهان توزیع کرده است (مترجمان، ۱۳۸۲، ج ۱۴، ص ۱۲۲).

۳/۲/۷. آیه ۷ سوره منافقون

«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (المنافقون: ۷).

در خصوص تفسیر آیه فوق نیز مشاهده می‌شود که رویکرد به واژه خزائن در آنها صرفاً یک رویکرد عینی نبوده و سایر ساحت‌ها و گستره‌های حقیقت خزائن در آنها مورد اشاره قرار گرفته شده است و لذا تفسیر آیه با گرایش تک بُعدی و درحوزه عین، به ندرت مشاهده می‌شود.

۳/۳. دیدگاه علمی و عینی

۳/۳/۱. آیه ۵۰ سوره انعام

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا تَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ» (الأنعام: ۵۰).

در برخی تفاسیر آیه هر دو جنبه علم و عین مورد اشاره قرار گرفته شده است. در برخی تفاسیر از آیه شریفه استفاده شده که کفار و مشرکین از حضرت توقع داشتند تا آنچه آن‌ها می‌خواهند، به ایشان بدهد، لذا می‌فرماید: «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ»، چنانچه همین توقعات را از حضرت نوح (ع) داشتند که می‌فرماید: «وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ...» (هود: ۳۱) زیرا خزائن به دست قدرت اوست و اختصاص به ذات مقدس او دارد، چنانچه می‌فرماید: «وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (المنافقون: ۷) و مراد از خزائن نه مجرد مال، بلکه جمیع افاضات و نعم و تفضلات الهی را شامل می‌شود (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۷۵). در این گونه تفاسیر هر دو بُعد علمی و عینی خزائن مورد اشاره قرار گرفته شده است به گونه‌ای که این حقیقت را مشتمل بر هر دو حوزه می‌دانند و برای هر یک به ذکر مثال‌هایی پرداخته‌اند.

۳/۳/۲. آیه ۳۱ سوره هود

«وَ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَ لَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» (هود: ۳۱).

در برخی تفاسیر ذیل آیه مذکور شاهد تبیین‌هایی با رویکرد علمی و عینی هستیم؛ از دیدگاه علامه طباطبایی مراد از جمله «خَزَائِنُ اللَّهِ» در آیه مذکور همه ذخیره‌ها و گنجینه‌های غیبی است که مخلوقات در وجود و بقایشان بدان محتاجند و از آن ارتزاق می‌کنند، و به وسیله آن، نقائص خود را تکمیل می‌کنند. اموری که به تصور عوام کلیدهایش به دست انبیاء و اولیاء است، و می‌پندارند که ایشان مالک مستقل آن‌ها و در نتیجه صاحب قدرتی هستند که هر حکمی می‌رانند، همچنان که نظیر این توقعات را از نبی گرامی اسلام داشته و گفتند: «وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا* أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخْلٍ لَّيْلٍ وَ نَعْبٍ فَتَفْجُرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا* أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتَ عَلَيْنَا كَيْسَفًا أَوْ تَأْتِيَنَا بِاللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا* أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرَبِّكَ حَتَّى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا» (الإسراء: ۹۳-۹۰) در این تعبیر علامه از خزائن به اموری یاد شده که موجودات در وجود و بقایشان بدان محتاج هستند، کلام علامه در اینجا گرچه صراحت در رویکرد علمی و عینی نداشته (ن: ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، صص ۱۴۵-۱۴۴)، منتها با توجه به دو واژه (وجود) که ناظر به حوزه علم، اراده، خلقت و ایجاد موجودات داشته و نیز واژه (بقا) که ناظر بر افاضه نعمت‌ها بر موجودات و بهره‌مندی مادی و معنوی آنها داشته و مرتبط با مقام عین است، می‌توان رویکرد علمی و عینی را از کلام ایشان استنباط کرد.

۳/۳/۳. آیه ۵۵ سوره یوسف

« قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ » (یوسف: ۵۵).

چنانچه پیش‌تر در خصوص آیه شریفه بحث شد، با توجه به مفاد و فحوای آیه شریفه، رویکرد اغلب تفاسیر نسبت به آن رویکردی عینی بوده و لذا رویکرد علمی و عینی در این خصوص به طور عمده‌ای مشاهده نشده است. آری گاهی به ندرت در برخی از تفاسیر چنین رویکردی ملاحظه می‌شود.

مصطفوی در تفسیر خود ذیل آیه می‌نویسد؛ «اضافه خزائن به کلمه أرض دلالت بر مادی بودن آن خزائن دارد، مانند حبوبات، اموال، اُمتعه، نقود و آنچه برای احتیاجات اهالی و رفع ناراحتی‌ها و فراهم کردن وسائل و اسباب رفاه و گشایش ذخیره می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۳۷)، اما در ادامه دایره بحث گسترده شده و متعرض بحث خزائن الهی نیز شده است؛ «اما خزائن الهی که رویکردی معنوی دارد، عبارتست از صفات ذاتی خداوند، مانند: رحمت و قدرت که مبدأ پیدایش و توسعه انواع فیوضات، الطاف و مراحم او هستند» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۲، ص ۳۷). در این تفسیر ابتدائاً در رابطه با آیه مذکور رویکردی عینی وجود داشته منتها در ادامه معنای خزائن را توسعه داده و علاوه بر مصادیق مادی به موارد علمی آن نیز اشاره کرده است و گویا ایشان خزائن را امری کلی و مشتمل بر هر دو امر علمی و عینی می‌دانند.

۳/۳/۴. آیه ۲۱ سوره حجر

« وَ إِن مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَ مَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ » (الحجر: ۲۱)

در تفاسیر مختلف در رابطه با آیه فوق، تبیین‌هایی با رویکرد علمی و عینی قابل ملاحظه‌اند؛ فیض کاشانی در نقد کلامی که در تفسیر قمی آمده (و از خزائن به آب نازل شده از آسمان یاد کرده) آن را تفسیری ظاهری و از باب تمثیل دانسته که برای تقریب به ذهن آمده است. ایشان معتقد است که آیه دارای باطنی است که بر اساس آن خزائن عبارتست از آنچه که قلم‌اعلی آن را بر وجه کلی و در لوح قضا محفوظ نوشته که از آن جاری می‌شود، و همچنین بر وجه جزئی آن را در لوح

قدری که در آن محو و اثبات است، به تدریج نازل می‌کند، سپس از آن نازل شده و در عالم شهادت ظاهر می‌شود. ایشان سپس از امام صادق (ع) از پدرشان و ایشان از جدشان نقل کرده که فرمودند: «در عرش تمثال همه آن چیزی است که در خشکی و دریاست، و این حدیث اشاره به تأویل آیه دارد» (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۲۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، صص ۳۳۸-۳۳۶).

صاحب تفسیر احسن الحدیث معتقد است، آیه روشن می‌سازد که وسائل زندگی به اندازه معین که برای زندگان کافی باشد، تولید می‌شود، و مشیت خدا در این اندازه‌گیری دخیل است و نیز معلوم می‌شود که در مقابل این عالم شهود، عالم غیبی وجود دارد که انبهارهای همه چیزها در آنجاست و خدا به قدر احتیاج از آن نازل می‌کند و آیات ۵۰ انعام و ۳۱ هود و ۳۷ طور و آیات دیگری با تعبیر: «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (هود: ۱۲۳) و «إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (فاطر: ۳۸)، همین گونه‌اند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، صص ۳۴۵-۳۴۴).

از دیدگاه علامه طباطبایی اختصاص دادن معنای آیه تنها بر نباتات علی‌رغم عمومیتی که در آن وجود دارد، مستلزم تخصیص اکثر و در نزد عقلای اهل سخن قبیح است و صرف اینکه سیاق آیه مربوط به رزق واقع شده، باعث اختصاص عبارت عام به نباتات نمی‌شود، و مورد مخصص نمی‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، صص ۱۴۵-۱۴۴). به اعتقاد ایشان خزائن تمامیش ما فوق عالم مشهود است، چون خدای تعالی آن‌ها را به وصف عنده (نزد خدا) وصف کرده؛ «مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ» (النحل: ۹۶) «آنچه نزد شما است فانی می‌شود و آنچه نزد خداست باقی است» که هرچه نزد خداست ثابت و لایتغیر است، پس خزائن خدا هرچه باشند امور ثابتی هستند که دستخوش زوال و تغیر نمی‌شوند، و چون می‌دانیم که اشیاء در این عالم مادی محسوس، متغیر و فانی بوده و ثبات و بقایی ندارند، می‌فهمیم که خزائن الهی ما فوق این عالم مشهودند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، صص ۱۴۵-۱۴۰). علامه یکبار خزائن را دارای عمومیت دانسته منتها در ادامه همه آن را ما فوق عالم مشهود می‌داند. البته این مافوق عالم مشهود بودن از نظر علامه نمی‌تواند به معنای آن باشد که خزائن دارای مصداق عینی نباشند، بلکه به نظر، مراد علامه از این سخن وجود اصل و منبع اعلائی خزائن در نزد مقام علم حق تعالی است که سپس به تدریج از آن مقام تنزل یافته و بر موجودات عوالم در هر طبقه افاضه خواهد شد.

با توجه به تفاسیر مذکور در ذیل آیه شریفه به خوبی می‌توان رویکرد ایشان نسبت به حقیقت خزائن در دو حوزه علم و عین را استنباط کرد، به گونه‌ای که خزائن الهی ابتدائاً در مقام علم حق تعالی و بر لوح قضا محفوظ از تبدیل، نوشته شده و پس از آن بر وجه جزئی در لوح تقدیر که حاوی محو و اثبات است، به تدریج از عوالم بالا نازل و در عالم شهادت ظاهر می‌شود، که با این تبیین هر دو حوزه و مقام علم و عین را در بر خواهد گرفت.

۳/۳/۵. آیه ۱۰۰ سوره اسراء

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الاسراء: ۱۰۰).

در تبیین آیه شریفه و با توجه به آنچه در قبل اشاره شد، به دلیل اضافه خزائن به رحمت که امر علمی است اغلب رویکردها بدان در تفاسیر مربوط به این آیه، رویکردهای علمی است، گرچه این نکته را نباید از ذهن دور داشت که رحمت هرچند در حوزه علم الهی است، منتها دارای مصادیق عینی نیز بوده و در مقام تنزل به عالم عین، می‌توان برای آن نیز مصادیق فراوانی را برشمرد. بنابراین قابلیت داشتن رویکرد علمی و عینی را به خوبی داشته و طرح این عنوان و رویکرد در حوزه تفسیر این آیه، نیکو و بجا خواهد بود. به عنوان نمونه در ذیل آیه فوق در برخی از تفاسیر از خزائن، به عنوان رحمت‌های روحانی بعد از

مادی یاد شده است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲؛ سید رضی، ۱۳۸۶، صص ۲۰۵-۲۰۴) که گویا این نوع تعبیر نشانگر آنست که خزائن را مشتمل بر هر دو حوزه علم و عین دانسته است.

۳/۳/۶. آیه ۹ سوره ص

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص: ۹).

در تفاسیر ذیل آیه شریفه رویکردهای علمی و عینی نیز مشاهده می‌شود؛ از دیدگاه صاحب تفسیر من وحی القرآن، مراد خزائنی است که کسی جز با اذن خداوند قادر به تحصیل و نزدیک شدن به آن نیست، همانطور که کسی قادر نیست آن را از کسانی که با رحمت خدا و حکمتش از آن برخوردار شده‌اند، منع کند، بنابراین چیزی از آن را مالک نیستند، خواه خزائن معنوی برای رحمت باشد، مانند: نبوت، خواه خزائن مادی باشد، مانند نعمت‌های فراوان در دایره محسوسات (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۹، صص ۲۴۰-۲۳۹). به اعتقاد برخی مفسران، زمانی که خداوند فرمود: «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ» (ص: ۹) خزائن غیر متناهی را به صورت عام آورد و در مواردی دیگر ملک آسمان‌ها و زمین را به دنبال آن بیان کرد، یعنی آنکه ملک آسمان‌ها و زمین یکی از انواع خزائن خداوند است (حائری تهرانی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۴۹). در این نوع از تفاسیر بخوبی رویکرد علمی و عینی قابل استنباط است، به گونه‌ای که خزائن را به دو حوزه علم و عین تقسیم کرده و با ذکر مثال‌هایی، آن را مورد تبیین و اشاره قرار داده‌اند.

۳/۳/۷. آیه ۳۷ سوره طور

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ» (الطور: ۳۷).

در تفاسیر مرتبط با آیه شریفه رویکرد علمی و عینی در قالب بیان مصادیقی مورد اشاره قرار گرفته شده است؛ در تبیین صاحب تفسیر الفرقان، خزائن معنوی و مادی پروردگار تنها نزد اوست نه خلقش حتی مرسلین (صادقی تهرانی، ۱۳۷۸، ج ۲۷، ص ۳۷۸). برخی مفسران نیز با خزائن به مادی و معنوی مادی و احاطه و اشراف خداوند بر آنها، به تبیین مثال‌ها و مصادیقی از آنها نظیر؛ نبوت، مال، ملک، قدرت و... پرداخته‌اند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۱، ص ۲۴۴). در این گونه تفاسیر، تلاش مفسر بر آنست تا با تقسیم خزائن به دو حوزه معنوی و مادی، ابعاد علمی و عینی این حقیقت معرفی کند، ضمن آنکه گاه برای تبیین بهتر به ذکر مثال‌هایی برای هر دو حوزه می‌پردازد.

۳/۳/۸. آیه ۷ سوره منافقون

«هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَ لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ» (المنافقون: ۷).

در تبیین و تفسیر آیه فوق نیز هر دو نشئه‌ی وجودی خزائن مورد اشاره قرار گرفته شده است؛ برخی مفسران نیز در تبیین معنا از آن به گنج‌های مخفی مستقر در علویات و دفن شده مخزون در سفلیات، یاد کرده‌اند (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۲، صص ۴۱۷-۴۱۶). در اینگونه از تفاسیر خزائن مشتمل بر دو بخش است، قسمتی در مقام تقدیر و مخزون در علویات و قسمتی در مقام شهود و سفلیات که این تبیین می‌تواند عبارت آخرای دو حوزه علم و عین باشد.

۳/۴. دیدگاه‌های کلی

در تفاسیر مختلف در ذیل آیات خزائن، مفسران به تبیین مطالبی پرداخته‌اند که نمی‌توان به طور شفاف مراد و مقصود ایشان نسبت به رویکردی که نسبت به حقیقت خزائن اتخاذ کرده‌اند را اثبات کرد، به طوری که در تعبیر خود از آن به عنوان امری کلی یا مطلق یاد کرده‌اند، و یا از تعبیری استفاده کرده‌اند که اشعار به رویکرد خاصی نداشته و یا دست کم نمی‌توان از آن رویکردی مشخص را استنباط کرد.

۳/۴/۱. آیه ۵۰ سوره انعام

«قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّا أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ» (الأنعام: ۵۰).

در برخی تفاسیر در تبیین معنای واژه خزائن در آیه فوق، از آن به شکل مطلق یاد شده، به طوری که نمی‌توان استنباط قطعی و یا احتمالی از آن‌ها داشت؛ در تفسیر فخر رازی می‌خوانیم که خداوند به رسول اکرم (ص) می‌فرماید تا در پاسخ به مطالبات عجیب مخالفانش بگوید: خزائن خداوند نزد من نیست، پس خداوند مُلک و عزت را به هر که بخواهد عطا می‌کند و هر که را بخواهد دلیل می‌سازد و خیر به دست اوست (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۲، ص ۵۳۸). این تعبیر چه بسا گویای دیدگاه وی در خصوص حقیقت خزائن نباشد، منتها چه بسا بتوان از مُلک و عزت هم معنای علمی و هم معنای عینی آن را در ضمن تبیین مصداق، اراده کرد. صاحب تفسیر البرهان مراد از خزائن را به صورت مطلق، خزائن الله دانسته (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۲۲) که اشعار به حوزه خاصی ندارد. به اعتقاد برخی مفسران، خزائن خدا هم در زمین موجود است و هم در وجود خود انسان (مترجمان، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۰).

۳/۴/۲. آیه ۲۱ سوره حجر

«وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (الحجر: ۲۱).

در ذیل آیه فوق نیز تفاسیر متعدد با رویکردهای کلی وجود دارد؛ از دیدگاه فخر رازی تخصیص قول حق تعالی؛ «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ» به باران تحکم محض است، زیرا این کلام همه اشیاء به جز آنچه که تخصیص خورده‌اند را شامل می‌شود (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۹، صص ۱۳۴-۱۳۳). از ابن جریر نقل شده که مقصود تنها باران است و طبری، ابن عطیه و سیوطی هم آن را ذکر کرده‌اند و از قاضی نقل شده که سزاوار است تا در حوزه گسترده‌تر در بیشتر مخلوقات استعمال شود (ثعالبی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۳۹۷). در تفسیر لاهیجی با اشاره به حدیث؛ «فِي الْعَرْشِ تِمَالُ جَمِيعِ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ أَلْبَرِ وَالْبَحْرِ وَهَذَا تَأْوِيلُ قَوْلِهِ: وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»، محتمل دانسته است که مراد از خزائن، یا عالم مثال باشد که در آن عالم، صورت‌های همه آنچه خدای تعالی خلق کرده موجود است و یا عبارت باشد از آنچه که به طریق اجمال و کلیت در لوح قضا مکتوب است که از تبدیل محفوظ است و بر وجه تفصیل و جزئیت در لوح قدر بوده که محل محو و اثبات است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۶).

۳/۴/۳. آیه ۱۰۰ سوره اسراء

«قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا» (الاسراء: ۱۰۰).

در خصوص آیه فوق، چنانچه اشاره شد با توجه به اضافه خزائن به رحمت، برداشت از آن عموماً برداشتی علمی یا علمی و عینی است و در تعبیر بکار برده شده از سوی مفسران در ذیل آیه، احتمال خزائن بر دو حوزه علم و عین مورد اشاره قرار گرفته شده است، منتها در برخی تفاسیر نیز از خزائن با وصف خزائن رزق و نعمت خداوند یاد شده است؛ خزائن یعنی کلیدهای رزق در آسمان ها، یعنی اگر رزق در دستان شماسست و شما آن را تقسیم می‌کنید (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۵۵۳). خزائن موضعی است که خداوند آن‌ها را محل رزق و منافع خلق قرار داده، که دست‌ها برای مسألت و رغبت و طلب خیر و برکت برایش بالا می‌رود (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۶۰). خزائن یعنی رزق‌های خداوند و نعمت‌هایش بر خلق (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۲۴). به معنای آنکه، اگر خزائن رزق‌های خداوند را مالک می‌شدید و گفته شده؛ اگر مالک مقدرات پروردگار می‌شدید (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۶۸۳). خزائن رزق‌ها و خزائن نعمت‌ها (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۵۶). خزائن آرزاق خداوند و نعمت‌هایش بر خلق‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۶۹۹).

۳/۴/۴. آیه ۹ سوره ص

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ» (ص: ۹).

در تفسیر آیه مذکور تفاسیری با رویکردهای کلی و مطلق وجود دارد؛ از دیدگاه طبرسی، منظور کلیدهای نبوت و رسالت است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۷۲۸). مقاتل بن سلیمان در تفسیر خود مراد از آن را خزائن نعمت پروردگار (که نبوت باشد)، می‌داند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۶۳۷). در تفسیر تبیان از آن به معنای مقدراتی یاد شده که به واسطه آن نعمت‌ها را بر بندگان اندازه‌گیری می‌شود (طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۵۴۶).

۳/۴/۵. آیه ۳۷ سوره طور

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ» (طور: ۳۷).

در تبیین آیه فوق در تفاسیر با تعبیر و نقل قول‌های متعدد مواجه هستیم؛ علامه طباطبائی در ذیل آیه بحث را حول محور مقام نبوت قرار داده و متن آیه را با این تعبیر تفسیر کرده‌اند؛ نکند خزانه‌های پروردگار تو نزد ایشان است تا هرکسی را که ایشان پیغمبر کنند، پیغمبر باشد، و چون تو را پیغمبر نمی‌دانند، پیغمبر نباشی؟ (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۰). در تفسیر عاملی سه تبیین برای جمله ذکر شده و معنای خزائن را در هریک از امور؛ باران و روزی، مقام پیامبری و علم و مقدرات، محتمل دانسته است؛ الف- آیا باران و روزی مردم به اختیار آن‌ها است؟ ب- مگر مقام پیغمبری در اختیار دارند؟ ج- آیا علم و مقدرات به دست آن‌ها است که آسوده‌اند و ناسازگار؟ (عاملی، ۱۳۵۹، ج ۸، ص ۸۸).

در تفاسیری نیز از آن به رزق، مال، مقدرات و... یاد شده است؛ خزائن علم و رزق خداوند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۲۱۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۸۱). خزائن اموال و آرزاق (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۵، ص ۵۰۶). خزائن الله که مقدرات خداوند است (طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۴۱۵). از دیدگاه قرطبی، خزائن در اینجا ضرب المثل و از باب مثال است، زیرا خزانه خانه، برای جمع کردن انواع ذخیره‌ها مهیا می‌شود، و مقدرات خداوند مانند خزائنی هستند که در آن از هر جنسی وجود دارد و نهایتی ندارند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، صص ۷۴-۷۵). از دیدگاه تفسیر اُطیب البیان مراد ظاهراً کلیه مقدرات الهی است که در لوح محفوظ و محو و اثبات ثبت شده است، چه امور تکوینی از خلق و رزق، اماته و احیاء، صحت و

مرض، بلاء و نعمت، غنا و فقر، و چه امور تشریحیه از ارسال رسولان و نازل کردن کتاب‌ها و قرار دادن احکام و نصب خلفاء که در اختیار احدی جز ذات اقدس او نیست. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۲، صص ۳۱۰-۳۰۹).

بررسی و نتیجه

پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد هستی‌شناختی آیات خزائن و تحلیل رویکردهای تفسیری ناظر به ماهیت آن‌ها، چهار رویکرد علمی، عینی، علمی عینی و رویکرد کلی را به عنوان چارچوب تحلیلی برگزید. یافته‌های پژوهش بیانگر آنست که اختلاف دیدگاه مفسران در تبیین حقیقت خزائن الهی، بیش از آنکه ناشی از تعارض محتوایی آیات باشد، برخاسته از تمرکز هر رویکرد بر یکی از ساحت‌های علم یا عین و یا غفلت از مراتب هستی است. رویکرد علمی با تأکید بر مقام علم الهی، خزائن را حقایق علمی پیشین بر تحقق موجودات می‌داند و رویکرد عینی با تکیه بر ظهور خارجی، آن‌ها را ناظر به تحقق عینی در نظام عالم تفسیر می‌کند؛ در حالی که هر یک به تنهایی قادر به تبیین جامع آیات خزائن نیستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد علمی عینی، با جمع میان دو ساحت علم و عین، ظرفیت بیشتری برای تبیین حقیقت خزائن دارد، اما این رویکرد نیز بدون توجه به مراتب وجود، در معرض تقلیل حقیقت خزائن به یک سطح خاص از هستی قرار می‌گیرد. در این میان، رویکرد کلی که مبتنی بر نگرش مراتب محور به نظام هستی است، می‌تواند به عنوان چارچوبی جامع‌تر، خزائن الهی را حقایقی متدرج و متنازل تفسیر کند که از مقام علم الهی آغاز شده و متناسب با استعداد عوالم، در مراتب مختلف وجود تحقق می‌یابند. این تبیین، ضمن حفظ وحدت منشأ، کثرت مظاهر خزائن را در نظام عالم توضیح داده و تعارض ظاهری میان دیدگاه‌های تفسیری را رفع می‌کند. بر اساس این تحلیل، می‌توان گفت آیات خزائن ناظر به نظامی پویا از افاضه وجود هستند که در آن، علم الهی و تحقق عینی موجودات در پیوندی وجودی و تدریجی قرار دارند. این برداشت، افزون بر غنای مباحث هستی‌شناختی قرآنی، زمینه‌ساز بازخوانی دقیق‌تر مفاهیمی چون قضا و قدر، تنزل فیض و رابطه علم و عین در سایر آیات قرآن نیز هست.

پیشنهاد

با توجه به این مطلب که مباحث پیرامون موضوع خزائن در کتاب‌های فلسفی و عرفانی به صورت پراکنده مطرح شده است و همچنین مباحث پیرامون آن در حیطه قرآن و روایات کمتر مورد بررسی قرار گرفته، به نظر می‌رسد که زمینه تحقیق و بررسی بیشتر در حوزه شناخت خزائن و مباحث پیرامون آن به خصوص در بخش تطبیقی و میان رشته‌ای همواره وجود دارد به گونه‌ای که می‌توان مباحث مربوط به آن را در هر یک از حوزه‌های فلسفه، عرفان، کلام، قرآن و روایات را یکبار به صورت مستقل و یکبار به صورت تطبیقی دسته بندی کرده و به تناسب در اختیار پژوهشگران این حوزه از مباحث قرارداد، تا ضمن تحقیق و تدبرهای بیشتر بتوان به آفاق‌های تازه‌تری در این مباحث، به خصوص در آثار مترتب بر آن در عرصه‌های متعدد دست پیدا کرد، همچنین با الهام گرفتن از برخی واژه‌های تازه و جدید در قرآن، این امکان به وجود می‌آید تا ضمن شناخت واژه‌های جدید و تحلیل و بررسی آن‌ها، به مباحث معنا شناختی و تأثیر آن در حوزه علوم انسانی و غیره پرداخته شود.

منابع

- قرآن مجید
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارس، أحمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان وروح الجنان فی تفسیرالقرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- انصاریان، حسین، ترجمه قرآن (انصاریان)، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، ۱۳۷۶.
- حائری تهرانی میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق-بیروت، دارالعلم-الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد، کشف الأسرار وعدة الأبرار، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- رضی، محمد بن الحسین، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، بیروت: دار الاواء، ۱۴۰۶ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر بحر العلوم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبرسی فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران-قم، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران: صدوق، جلد ۸، ۱۳۵۹.
- علی بن الحسین، امام چهارم، الصحیفه السجادیة، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
- فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، تفسیر کبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فضل الله، سید محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، الأصفی فی تفسیرالقرآن، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، بیروت، المکتبة العصریة، ۱۴۲۸ق.
- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.

- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷.
- کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، ۱۳۳۶.
- مترجمان، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۲۴ق.
- نجفی خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیة، ۱۳۹۸ق.
- نخجوانی، نعمت الله بن محمود، الفواتح الالهی هوالمفاتیح الغیبیه، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹م.

